



ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

فاطمه (سلام الله علیها) برترین بانوی عالم

جمع نساء (زنان) یاد شده، روایات متعددی وجود دارد و مفسران سخنان فراوانی گفته اند. این تعبیر شگفت خداوند از فاطمه که با زبان پیامبر صلی الله علیه و آله «زنان ما» صورت گرفته حاوی یک پیام بزرگ درباره شأن آن بانو برای بشر و تمام خدایاوران است. آن پیام این است که فاطمه زهرا علیهاالسلام سمبل و مظهر ویژگیهای تمام زنان مقدس از گذشته و هم عصر او و آینده است. فاطمه علیهاالسلام اگر چه یک زن است، اما در واقع، دارنده ویژگیهای تمام زنان نیک عالم است. گویا تمام زنان مقدس قبل و بعد از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام یک روح بوده و کمال و تمام تجلی و ظهور آن در فاطمه زهرا است.

زنان مقدس قرآنی

قرآن بجز فاطمه زهرا علیهاالسلام به صراحت یا به کنایه، از دوازده زن پاک نام می برد. قرآن برای هر یک از این زنان صفت یا صفات بارزی را به عنوان شاخصه ذکر می نماید:

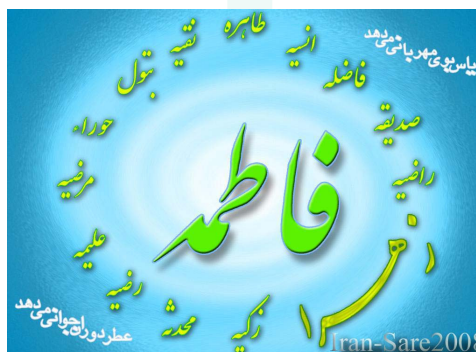
۱. حوا همسر حضرت آدم از تأیبات بود: «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا...» پروردگارا! ما به خود ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشایی و بر ما ترحم نمایی هر آینه از زینکاران خواهیم بود. ۲. آسیه همسر فرعون از مؤمنات و مشتاقان خدا بود: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا...» خداوند برای کسانی که ایمان آورده اند (آسیه) زن فرعون را مثال می زند...

در آستانه میلاد برترین بانوی جهان از اولین تا آخرین مروری بر آیه مباحله داریم. آیه شریفه در جریان یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام که به مباحله معروف است نازل شده است. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَبَنَاتَنَا وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ...» «پس هر کس که با تو درباره عیسی بعد از آنکه با تعلیم وحی بر احوال او آگاهی یافتی، به مجادله برخیزد، بگو پیش آید تا ما با فرزندانمان و شما با فرزندانمان، زنانمان و زنانتان و نفسهایمان با نفسهایتان در پیشگاه خداوند دعا و نفرین نموده تا لعنت و عذاب خدا را بر دروغگویان و حق گریزان قرار دهیم.»

دانشمندان اهل سنت اذعان کرده اند که مراد از «بناتنا» حسن و حسین علیهماالسلام، «انفسنا» علی علیه السلام و «نساتنا» فاطمه زهرا علیهاالسلام است. این آیه بعد از آنکه برهانهای منطقی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای مسیحیان نجران سودی نبخشید و همچنان به انکار خود ادامه دادند نازل شد. پیام آیه مباحله مسیر استمرار پیامبری رسول خدا صلی الله علیه و آله را اعلام و ترسیم می نماید و اگر هیچ آیه دیگری برای نشان دادن عظمت و رفعت مکان اهل بیت و مسیر و طریق استمرار دین خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله جز همین آیه نبود برای اهل بصیرت کفایت می کرد.

تعبیر نساتنا از فاطمه علیهاالسلام

در آیه مورد بحث، خداوند از فاطمه زهرا علیهاالسلام به عنوان «نساتنا» (زنان ما) یاد کرده است. درباره علت اینکه از فاطمه علیهاالسلام که یک زن بیشتر نبود با صیغه





و گفته اند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از آنکه مالی نداشت خداوند او را به وسیله حضرت خدیجه علیها السلام که اموالش را پس از ازدواج به پیامبر بخشید، ثروتمند نمود.

تجلی کمال یازده زن الهی قرآنی در فاطمه علیها السلام

قرآن از فاطمه زهرا علیها السلام نیز در موارد متعددی به کنایه یاد کرده، وی را نمونه وفا کنندگان به عهد، صائمت، متصدقات، صابرات و ذاکرات معرفی می کند. با عنایت به آیات قرآنی که در شأن آن بانو نازل شده و روایات بسیاری که درباره آن حضرت رسیده است، فاطمه علیها السلام نمونه برجسته صفاتی چون تائبه، مؤمنه، صالحه، خاشعه، قائمه، سائحه، مسلمه، متصدقه، صادق، مخلصه، صابره، عقل، حسن انتخاب، مشتاق خدا و خادم پیامبر می باشد. این صفات، همان ویژگیهایی است که قرآن برای زنان پاک و مقدس اثبات نمود و این همانندی در صفات به معنای تجلی خوبی آن زنان در فاطمه زهرا علیها السلام به نحو اتم و اکمل است. در اینجا اشاره به برخی آیات که به کنایه از حضرت زهرا علیها السلام یاد می کند و صفات بارزی از ایشان را بیان می نماید خالی از لطف نمی باشد:

۱ فاطمه علیها السلام؛ نمونه کامل صائمت و صادقات: «... يُوْفُونَ بِالَّذِرِّ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا». ائمه اطهار علیهم السلام و تمام مفسران شیعه و بیشتر مفسران اهل سنت این آیات سوره دهر را در مورد نذری می دانند که علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام برای شفای حسن و حسین علیهما السلام کردند، و پس از بهبود آنان به نذر خود وفا کرده، سه روز را روزه گرفتند و افطاری خود را به مسکین، یتیم و اسیر دادند و خود با آب افطار کردند.

۲ فاطمه؛ نمونه کامل متصدقات، مخلصات و مشتاقان به خدا: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَيَّ جِيهٍ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اَسِيرًا * اِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا».

۳ فاطمه؛ نمونه کامل صابرات: «وَجَزِيهَهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا». ۴ فاطمه، نمونه کامل ذاکرات، قانتات و خاشعات: «اَنَا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا غُيُوسًا قَمَطِرًا». کوتاه سخن آن که حضرت فاطمه مظهر تجلی خوبیها و شخصیت الهی زنان قرآنی چون حواء، آسیه، یوکابد، سارا، هاجر، رحمت، حنه، الیزابت، مریم، بلقیس، صفورا، و خدیجه بود و تقدس همه آنها در ایشان جمع بود. این زنان گویا دارای روحی واحدند که در فاطمه پیامبر صلی الله علیه و آله متجلی شده است، لذا تمام آنها منسوب به پیامبرند؛ زیرا فاطمه علیها السلام منسوب به اوست. از همین رو قرآن از زبان پیامبر از فاطمه علیها السلام به «زنان ما» تعبیر نمود.

* برای مطالعه بیشتر به سایت حوزه مراجعه شود .

آن گاه که گفت: پروردگارا خانه ای نزد خودت (بهشت)، برای من بنا نما. ۳. سارا همسر ابراهیم از قائمات و خدمتگزاران پیامبر بود: «وَأَمْرَاتُهُ قَائِمَةٌ...»؛ و همسر او به خدمتگزاری به پا بود... ۴. هاجر همسر ابراهیم از سائحات بود. سائحات که در قرآن به عنوان یکی از صفات کمالی برای زنان ذکر شده به معنای زنان مهاجر است. ۵ یوکابد مادر موسی از مسلمات و توکل کنندگان بر خدا بود: «اذْ أُوحِيَ إِلَيَّ أُمُّكَ مَا يُوحِيَا * اِنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ...». مادر حضرت موسی نمونه زنان مسلمان بود. او به امر پروردگار و با توکل بر او عزیزترین نعمت پروردگار، فرزندش را به دریا انداخت.

۶ صفورا دختر شعیب، همسر موسی نمونه حیا و حسن انتخاب بود. «فَجَاءَتْهُ إِحْدِيهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ... يَا أَبَتِ اسْتَعْجِرْهُ اِنْ خَيْرَ مِنْ اسْتَعْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ». دختر شعیب هنگام دعوت از موسی به سوی پدرش نهایت حیا و آزر را رعایت نمود و به رغم تهیدستی موسی ملاک گزینش را امین و توانا بودن می داند. ۷ الیزابت همسر زکریا از صالحات و خاشعات بود: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَ اَصْلَحْنَا لَهُ وَ زَوْجَهُ اِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَنا رَغْبًا وَ رَهْبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ»... و ما همسر زکریا را برایش صالح گردانیدیم، آنها در کارهای خیر سبقت می گرفتند و ما را با حالت بیم و امید دعا می کردند و همواره در برابر ما خاضع و خاشع بودند. ۸ حنه همسر عمران از متصدقات و صادقات و مخلصات بود: «اذْ قَالَتْ اِمْرَاتُ عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّيَا...». حنه همسر عمران، مادر مریم علیها السلام با اخلاص نذر نمود فرزندی را که در شکم دارد خدمتگزار بیت المقدس قرار دهد و به آنجا هدیه کند؛ پس چون فرزندش متولد شد صدق خود را با وفای به نذرش به اوج رساند. ۹



همسر ایوب نمونه صبر و ایثارگری و خدمتگزاری پیامبر بود: «وَأَتَيْنَاهُ اَهْلَهُ...»... وَ وَهَبْنَا اَهْلَهُ...». همسر ایوب نمونه بزرگی از ایثار و فداکاری بود، از همین رو لیاقت یافت که خداوند در قرآن از او به کنایه به نیکی یاد کند؛ زیرا هنگام گرفتاری حضرت ایوب همه از او دوری گزیدند و فقط همسرش در کنار او ماند. ۱۰ بلقیس نمونه عقل، درایت و آینده نگری و حق گرایی بود: «اِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَ اُوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ... قَالَتْ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». سیاق و دلالت این آیات به طور ضمنی روشن می کند که بلقیس زنی هوشمند، با درایت، عاقبت اندیش، اهل مشورت، و دارای روح حق گرایی بوده است. ۱۱ خدیجه نمونه ایثار و احسان بود: «... وَ وَجَدَكَ عَائِلًا...». مفسران آیه را اشاره به حضرت خدیجه (س) دانسته اند؛ زیرا کلمه عائل را به معنای فقیر گرفته



گفت و گو با دختر هندی - کشمیری

مقام معظم رهبری همانند امام خمینی رهبر تمام بشریت است

«تانیس» * یک دختر هندی کشمیری است که خانواده اش در مبنی زندگی می‌کنند. وی علاقه ویژه‌ای به زبان فارسی دارد و زبان فارسی را به خوبی متوجه می‌شود. او برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد به دانشگاه امام خمینی (ره) قزوین آمده است.

* لطفا خودتون معرفی کنید

* اسم من تانیس است و اهل هندوستان هستم. پدرم تاجر است و به همین علت به مناطق مختلف سفر کردیم و در نتیجه من در فضایی چندفرهنگی بزرگ شده‌ام و تا زمان دبیرستان در کشمیر بودم اما چون پدرم در مبنی بود به همراه برادر و مادرم به مبنی نقل مکان کردیم. سپس در رشته کارشناسی مدیریت از دانشگاه مبنی درس خواندم. اما از همان اوایل جوانی می‌دانستم که ریشه ایرانی دارم. پدر پدر پدر بزرگم اهل سبزواری بوده. اجدادم فارسی صحبت می‌کردند، اما متأسفانه هیچ کس ما را به فارسی صحبت کردن تشویق نکرد. ولی من از همان آغاز علاقه و عشق زیادی به زبان فارسی داشتم.

در مبنی یک خانه فرهنگ ایران هست. بنابراین من تصمیم گرفتم شانس را آنجا امتحان کرده و یادگیری زبان فارسی را در آغاز کردم. به طوری که ابتدا صحبت می‌کردیم و سپس من به عنوان یک محقق مشغول به کار در آنجا شدم و چندین پروژه برای خانه فرهنگ کشور ایران انجام دادم. آنها به من پیشنهاد بورس تحصیلی در ایران دادند تا مدارکم را آماده کنم و بعد از خواست برای فوق لیسانس انتخاب شدم. در حال حاضر در حال مطالعه زبان فارسی در دانشگاه بین المللی امام خمینی در قزوین هستم.

* شنیده‌ام کشمیری‌ها علاقه زیادی به انقلاب اسلامی دارند. درست است؟

این یک حقیقت است که تمام کشمیری‌ها علاقه بی‌حد و حصری به ایران دارند و من هم همین‌طور هستم. این هم یکی از دلایلی بود که باعث شد من تصمیم بگیرم به جمهوری اسلامی ایران بیایم. آنچه مرا به اینجا آورد یک حس معنوی بود و بیشتر کشمیری‌ها نیز علاقه غیرقابل‌تصوری به ایران دارند و این علاقه در بین مردم کشمیر، اعم از شیعه و سنی موج می‌زند.

* علت این علاقه چیست؟

سال‌های بسیار دور که کشمیر تحت سلطه بودایی‌ها بوده و مردی به نام زین العابدین قدم به کشمیر گذاشت. مردم را با اسلام آشنا کرد. در آن زمان تنها بودایی‌ها و هندوها وجود داشتند. حتی اگر در کشمیر مسلمانی هم بود در جامعه ظهور نداشته و در اقلیت بسیار کمی قرار داشتند. این فرد همراه با عده زیادی به اینجا آمده و با شاه صحبت کرده و ایدئولوژی اسلام و باورهای دینی را ارائه داد و از آن‌ها خواست اسلام را در کنار طرز زندگی خودشان ارائه دهند. بنابراین آهسته آهسته اسلام در تمام منطقه گسترش یافته و گرویدن به اسلام آغاز شد. حتی اگر امروز به کشمیر بروید، احساس می‌کنید که در ایران هستید، زیرا تقارن و جغرافیای منطقه دقیقاً مثل ایران است. آنجا هم چهار فصل است. در مناطقی از کشمیر درخت چنار پیدا می‌شود و این تنها به خاطر ارتباط با ایران است. اگر به بخش شهر قدیمی کشمیر بروید ساختار معماری مشابه اصفهان می‌بینید. ما هم مسجد جامع داریم که دقیقاً شبیه ۴۰ ستون است.

* این یک طرح استعماری بوده که انگلیسی‌ها زبان فارسی را از هند بیرون کشیده و زبان انگلیسی را جایگزین کردند، درست است؟



احساسی که پس از وارد شدن به حرم به من دست می‌دهد. در حرم امام رضا (ع)، انرژی بسیار مثبتی در اطرافم احساس می‌کنم. وقتی به مشهد آمدم و از دور گنبد را نگاه کردم، می‌خواستم گریه کنم و زبانی برای سخن گفتن نداشتم. می‌خواستم حرکت کنم ولی احساس می‌کردم که روحم جسمم را ترک کرده است. من در آنجا ایستاده و به گنبد خیره شدم. بعدها فهمیدم که اشک‌ها ناخواسته از گونه‌هایم سرازیر می‌شده‌اند. صادقانه بگویم هرچه قدر تلاش می‌کنم که احساسم را توصیف کنم، اما نمی‌شود و تنها قلبم معنای واقعی این احساس را می‌شناسم. دوست دارم با امام صحبت کنم و او هدایت‌م کند.

* فعالیت‌هایی که در هندوستان چگونه است؟

وهابیت در هندوستان فعالیت‌های گسترده‌ای دارد و در این زمینه هزینه می‌کند. عموم مردم از دیدگاه‌های افراطی وهابیت استقبال نمی‌کنند اما به هر حال آنها نیز به شیوه‌های گوناگون، برنامه‌های خود را تبلیغ می‌کنند.

* در ایران با چه کسی زندگی می‌کنید؟ دوری از خانواده سخت نیست؟

بالاخره دوری از خانواده سختی‌های خودش را دارد اما بگذارید از هم اتاقی ام برای شما بگویم. من یک هم‌اتاقی هندی بنام رونا دارم. او هم مانند من ریشه‌های ایرانی دارد و جد مادری‌اش زرتشتی بوده است اما خودش یک هندوی اهل گجراتی، پنجابی است. پدرش اهل پنجاب است. همانطور که ما در ایران نسل‌های روحانی داریم، در هندوستان نیز براماها را داریم. دوست هندی من نیز از یک نسل بسیار برجسته علمای هندی می‌باشد. اما با وجود اینکه بیشتر هندویسم حول محور پرستش بت‌ها می‌گردند، دوست من از همان آغاز به پرستش بت‌ها عقیده نداشته است. او یک بت پرست نیست و یکتاپرست و موحد است. او به خدای یکتا عقیده دارد.

او دانشجوی علوم سیاسی در دهلی بوده است. در رابطه با مسائل سیاسی، ایران همیشه یکی از مسائل حاد بوده است و نامش در همه بحث‌ها دیده می‌شود. او به من می‌گفت که گاهی در کلاس‌های درس درباره مسائل ایران با هم کلاسی‌هایش بحث‌های داغی می‌کرده و از ایران دفاع می‌کرده است.

او دانشجوی علوم سیاسی در دهلی بوده است. در رابطه با مسائل سیاسی، ایران همیشه یکی از مسائل حاد بوده است و نامش در همه بحث‌ها دیده می‌شود. او به من می‌گفت که گاهی در کلاس‌های درس درباره مسائل ایران با هم کلاسی‌هایش بحث‌های داغی می‌کرده و از ایران دفاع می‌کرده است. او می‌گوید: از همان آغاز یک نیروی ناشناخته مرا به سوی ایران می‌کشید و به ایران نزدیکتر و نزدیکتر می‌شدم... و تصمیم گرفت به ایران بیاید. او بسیار طرفدار ایران و اسلام است. روز تولد دوستم با هم به مغازه رفتیم، مغازه‌دار از ما پرسید: شما اهل کدام کشور هستید؟ آیا مسلمان هستید؟ گفتم ما هندی هستیم و من مسلمانم ولی دوستم نه. یک پوستر رهبر برداشتم و به دوستم دادم. مغازه‌دار تعجب کرده و گفت: آیا کسی شما را مجبور کرده که این پوستر را بردارید؟ گفتیم: نه و از روی علاقه پوستر را برداشته‌ایم. او به من گفت: آیا واقعا شیعه هستی؟ گفتم: بله گفت: پس چرا پوستر را برای او می‌خری؟ گفتم: گوش کن! رهبر متعلق به من یا شما نیست. او همانند امام خمینی (ره) رهبر تمام بشریت است. دوستم هر وقت دست از دعا کردن برمی‌دارم او به من می‌گوید: می‌خواهم عبادت کردن و نماز خواندن تو را ببینم. او اکنون می‌خواهد بیشتر راجع به تشیع بداند و من سعی می‌کنم او را آشنا کنم. من صادقانه بگویم تصور نمی‌کنم که او اصلا هندی باشد. نام و نشان او هندی است، اما من باور دارم که او مسلمان است.

* بسیار ممنونم از حضور و مشارکت شما در این گفت‌وگو. امیدوارم همان قدر که ما حس بسیار خوبی از شنیدن این مطالب به دست آوردیم، مخاطبان این گفت‌وگو هم بهره لازم را ببرند. خواهش می‌کنم. آنچه فراموش کردم بگویم این است که دیدار با رهبر، آرزوی من است و امیدوارم بتوانم ایشان را ملاقات کنم.

* خبرگزاری حوزه

متأسفانه بله، این امر تنها به زبان فارسی محدود نمی‌شود بلکه زبان هندی را هم به همین شکل از دست داده ایم. زبان ملی ما هندی است. سانسکریت یکی از قدیمی‌ترین زبان‌ها است و دلیل وجود زبان فارسی، هندی، اردو یا حتی انگلیسی می‌باشد. بیشتر این زبان‌ها از سانسکریت استخراج شده است. اما اگر به هند بروید، سانسکریت را تنها در کتاب مقدس هندو پیدا می‌کنید.

اکثریت مردم کشمیر یعنی ۷۰-۸۰ درصد اهل سنت هستند و تنها اقلیت اندکی شیعه هستند و هندوها و مسیحی‌ها نیز در آنجا زندگی می‌کنند. اصلا اینگونه نیست که اهل سنت کشمیر، گرایش تکفیری داشته باشند. اهل سنت از ایران متنفر نیستند.

* فعالیت روحانیون شیعه در هند برای ما و مخاطبان ما اهمیت دارد. آیا از این موضوع اطلاعی دارید؟

اگر شما به حوزه قم بروید می‌بینید که تعداد زیادی طلاب هندی و کشمیری در آنجا هستند. به نظر من این روشن کننده بسیار خوبی است. وقتی روحانیون زیادی از کشمیر و هند در اینجا می‌بینید بدانید که در کشمیر هم تعدادشان زیاد است و فعالیت دارند. * گاهی گفته می‌شود طلابی که در قم و مشهد درس می‌خوانند اما به کشورهای خود بر نمی‌گردند!

اشتباه می‌کنید برمی‌گردند. خانواده مادری من، همه روحانی هستند. پدر بزرگم، پدر پدر بزرگم و پسرانشان و نوه‌هایشان، خواهران و دخترهایشان همه شان روحانی و واعظ هستند. مدارس زیادی در نزدیکی آن‌ها در کشمیر هست. این مدارس برنامه‌هایی دارند. ما نیز همانند شما در کشمیر جشن انقلاب اسلامی داشتیم. و فقط کشمیر این گونه نیست. من در بمبئی زندگی می‌کنم. شهر بمبئی مخلوطی از تمدن غرب و فرهنگ هندی است. زیرا مرکز اقتصادی هندوستان است و مخلوطی از همه چیز مانند غرب زدگی، گروه‌های قومیتی هندی و معنویت در آنجا دیده می‌شود. عقیده شخصی من این است که من هیچ کجا را به معنویت بمبئی ندیده‌ام. علمای هندی زیادی هستند که از ایران آمده‌اند. ما راهپیمایی‌ها و گردهمایی، مجلس و محفل‌های مختلفی نه تنها برای مردم هند بلکه برای جامعه بین‌المللی برگزار می‌کنیم.

* دوست داریم بیشتر درباره آئین عزاداری و مراسم مذهبی در هند بشنویم.

در «گجرات» راهپیمایی‌های عزاداری‌های عاشورا از معبد هندوها آغاز می‌شود که این بسیاری مسائل را آشکار می‌کند. ما به آن «سیل‌گاه» می‌گوییم. غذا و آب به نام نذری امام حسین (ع) پخش می‌کنند. و شما به آن «ایستگاه صلواتی» می‌گویید. این ایستگاه‌ها توسط هندوها برپا شده و آن‌ها هستند که در این امر مشارکت دارند.

* از حال و هوای خود وقتی که به حرم امام رضا مشرف می‌شوید بگویید.

سخن گفتن درباره این موضوع برای من بسیار بسیار دشوار است. احساسی که تنها با دیدن گنبد امام رضا (ع) به من دست می‌دهد منقلب کننده است، چه برسد به



پرسی و پاسخ

غیبت در فضای مجازی!!!

داد: این هم همان است دیگر، چه فرقی میکند یعنی بایستی واقعاً به اینها توجه کرد. محیط را باید محیط اخلاقی کرد.»

ایشان در ادامه فرمودند: «... امروز یک جریان صحیح و حقیقی در جامعه ما وجود دارد، جریان‌های باطلی هم وجود دارد که به انواع و اقسام طرق می‌خواهند جامعه را خراب کنند، انقلاب را منحرف کنند؛ در این شکی نیست. آدم‌هایی هم در رأس این جریان‌ها هستند. چه لزومی دارد که انسان به این آدم‌ها تهمت بزند. چه لزومی دارد که غیبت اینها را بکند. حرف آشکار اینقدر دارند؛ همان حرف‌های آشکار را بیان بکنند، تبیین کنند، توضیح بدهند، مطلب روشن خواهد شد؛ هیچ نیازی به غیبت کردن نیست که آدم بگوید حالا ما برای اصلاح مثلاً غیبت می‌کنیم.»

بنابراین فرقی بین غیبت در فضای مجازی و حقیقی نمی‌کند و ما باید در هر دو مجال مراقب باشیم.

علاج غیبت و توبه از آن

غیبت به تدریج به صورت يك بیماری روانی در می‌آید، به گونه‌ای که غیبت‌کننده از کار خود لذت می‌برد، و از اینکه پیوسته آبروی این و آن را بریزد احساس رضا و خشنودی میکند، و این یکی از مراحل بسیار خطرناک اخلاقی است.

اینجا است که غیبت‌کننده باید قبل از هر چیز به درمان انگیزه‌های درونی غیبت که در اعماق روح او است و به این گناه دامن می‌زند بپردازد، انگیزه‌هایی مانند «بخل» و «حسد» و «کینه‌توزی» و «عداوت» و «خودبرتربینی» و می‌تواند زمینه ساز غیبت و تهمت باشد.

باید از طریق خودسازی و تفکر در عواقب سوء این صفات زشت و نتایج شومی که ببار می‌آورد و همچنین از طریق ریاضت نفس این آلودگی‌ها را از جان و دل شست، تا بتوان زبان را از آلودگی به غیبت باز داشت، سپس در مقام توبه برآمد و از آنجا که غیبت جنبه حق الناس دارد اگر دست‌رسی به صاحب غیبت دارد و مشکل‌تازهای ایجاد نمیکند از او عذرخواهی کرد، هرچند شاید به برکت آن خداوند متعال غیبت‌کننده را ببخشد و طرف مقابل را راضی سازد. امید است که خداوند به ما توفیق ترک گناهان و انجام اعمال صالح را عنایت فرماید.

برخی از کاربران تصور می‌کنند غیبت در فضای مجازی مانعی ندارد برای همین پرسیده اند، حد و مرز سخن گفتن در مورد دیگران چگونه است؟ سرمایه بزرگ انسان در زندگی، حیثیت و آبرو و شخصیت اوست و هر چه آن را به خطر اندازد مانند آن است که جان او را به خطر انداخته، بلکه گاه ترور شخصیت از ترور شخص مهمتر است. یکی از فلسفه‌های تحریم غیبت این است که این سرمایه بزرگ بر باد نرود و حرمت اشخاص درهم نشکند، نکته دیگر اینکه غیبت، بدبینی می‌آورد، پیوندهای اجتماعی را سست، بذر کینه و عداوت را در دلها می‌پاشد و گاه سرچشمه نزاعهای خونین و قتل و کشتار می‌شود.

روایت شده که خداوند به حضرت موسی - علیه السلام - وحی فرستاد: «کسی که بمیرد در حالی که از غیبت توبه کرده باشد آخرین کسی است که وارد بهشت میشود و کسی که بمیرد در حالیکه اصرار بر آن داشته باشد اولین کسی است که وارد دوزخ می‌شود.»

در مورد معنی غیبت امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «غیبت آن است که درباره برادر مسلمان چیزی را بگویی که خداوند پنهان داشته، و اما چیزی که ظاهر است ... داخل در غیبت نیست. پنهان این است که چیزی را بگویی که در او وجود ندارد.»

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»، در این آیه، با تهدید کوبنده به سراغ عیبجویان و غیبت‌کنندگان می‌رود و می‌فرماید: «وای بر هر عیبجوی غیبت‌کننده‌ای که مردم با ایمان را به سخریه بگیرند و با نیش زبان و حرکات دست و چشم و ابرو، در پشت سر و پیش رو، مؤمنان را هدف تیرهای طعن و تهمت قرار میدهند.

و نیز در حدیثی از پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - میخوانیم: کسی که به منظور عیبجویی و آبروریزی مؤمنی سخن نقل کند تا او را از نظر مردم بیندازد، خداوند او را از ولایت خودش بیرون کرده، به سوی ولایت شیطان می‌فرستد و شیطان هم او را نمیبذرد.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در جلسه درس خارج فقه خود که در تاریخ ۷ دی‌ماه سال ۸۹ در این باره می‌فرماید:

«... واقعاً یکی از چیزهایی که ما همه‌مان [باید توجه کنیم]، به مردم هم باید بگوئیم، یاد بدهیم که توجه بکنند این است که: به صرف توهم این که حالا این کار مصلحت دارد، دستشان را، یا قلمشان را، یا ویلاگشان را آزاد نکنند که هر چه به دهندشان آمد، آن را بگویند؛ اینجور نیست، چون وسائل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است. یعنی خواندن وبلاگ هم مثل خواندن کاغذ است، کتاب است، نامه است، مثل شنیدن حرف است. استماع غیبت شامل همه اینها می‌شود؛ یعنی ملاک استماع در اینها وجود دارد مسلماً شنیدن به گوش خصوصیتی ندارد، خواندن در نامه هم عین همان است که ما در بحث استماع این را تأکید کردیم و عرض کردیم. خوب، دوربین هم همین جور است. فرض کنید که اگر چنانچه انسان یک خطایی را از کسی دید، این را رفت با دوربین ثبت کرد، بعد آمد یک جایی نشان

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه‌نامه: زهره قدیمی

